

جای تعجب ندارد اگر ببینیم چند روز دیگر یکی از مقامات رژیم صهیونیستی به چین سفر می‌کند. چین بارها اعلام کرده که در پی منافع خود است و روابط دوجانبه او متوجه طرف ثالثی نیست



در گفت‌وگو با استاد مطالعات چین در دانشگاه تهران تشریح شد

# بررسی ارتباط ایران با کارخانه جهان

سارا اعلی

دبیر گروه سیاست  
Sarah.agheli@gmail.com

۲۵ بهمن رئیس‌جمهور کشورمان به چین رفت. در یک سفر سه روزه با هیأتی همراه از وزرا و فعالان اقتصادی به دعوت رسمی دولت چین. سفری که گفته می‌شد ارتباط دو کشور را وارد فاز عملیاتی و جدیدی می‌کند و هموارکننده جاده تجارت میان ایران و چین است. امضای ۲۰ تفاهم‌نامه که اکثریت قریب به اتفاق آن اقتصادی است، به همین منظور منعقد شده. با اتمام این سفر می‌تواند تأثیر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین را زیر ذره‌بین برده و تحلیل واقع‌بینانه‌ای از رفتار چینی‌ها ارائه دهیم تا بتوانیم عایدی سفر رئیس‌جمهور را در سفره اقتصادی کشور مشاهده کنیم. بر همین اساس به سراغ حامد وفايي، کارشناس و استاد مطالعات چین در دانشگاه تهران رفتیم و با او درباره این سفر و پیامدهایش به گفت‌وگو نشستیم.

● اهمیت سفر اخیر رئیس‌جمهور ایران به چین و دیدارش با شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در چیست؟ با توجه به اینکه در ۲۰ سال اخیر این نخستین سفر در رده رؤسای جمهور است.

سفر رئیس‌جمهور به کشور چین را از چند وجه می‌توانیم بررسی کنیم. وجه اول مسائل دوجانبه بین ایران و جمهوری خلق چین است. ارتباط این دو کشور در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و به سطح جامع راهبردی ارتقا پیدا کرده که بر اساس آن نقشه راه ۲۵ ساله تدوین شد. غیر از چند سال کرونا که روابط چین با همه دنیا افولی داشت، سیر کلی روابط ایران و چین بالا بوده. انجام ملاقات‌های سطح بالا برای اتخاذ تصمیمات بلندمدت و راهبردی یکی از ضروریات برای عملیاتی کردن برنامه‌ها است. در همین راستا رهبر چین در اجلاس سمرقند از آقای رئیسی برای سفر به چین دعوت کردند. با سفر رئیس‌جمهور کشورمان به چین، روابط دوجانبه ایران و چین شاهد یک برگ جدید در حوزه عملیاتی شدن تفاهمات بود.

● به غیر از ارتباط دوجانبه ایران و چین، تأثیر ارتباط و همکاری این دو کشور در منطقه غرب آسیا چیست؟

در سال‌های اخیر کشور چین برنامه‌های گسترده‌ای را در منطقه غرب آسیا پیگیری کرده و می‌کند. به همین خاطر کشورهای منطقه غرب آسیا در سال‌های اخیر در سیاست خارجی چین تبدیل به اولویت شده و به عنوان محیط پیرامونی چین ارتقا پیدا کرده است. محیط پیرامونی منظور همسایگان چین است. اگرچه ایران و کشورهای منطقه ما همسایه چین نبودند اما اولیاتی که چین برای آنها در سال‌های اخیر در سیاست خارجی خود در نظر گرفته در حد محیط پیرامونی است. از طرفی موضوعاتی مثل پهنه راه، امنیت جهانی، توسعه جهانی و... اهمیت منطقه غرب آسیا را برای چینی‌ها در سال‌های اخیر افزایش داده و از این منظر سفر رئیس‌جمهور ایران به چین حائز اهمیت است. سومین منظر اهمیت سفر آقای رئیسی به چین، بین‌المللی است.

چین یک قدرت جهانی و ایران یک قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود. با توجه به تحولات کلانی که در نظام بین‌الملل در جریان است، آسیا، محور بسیاری از تحولات جهانی قرار گرفته و باعث شده خیلی از کشورها سیاست نگاه به شرق را پیگیری کنند. ضمن اینکه سیاست خارجی هر دو کشور چندجانبه‌گرایی است و قطب‌های مختلف یکی از محورهای اصلی نظام جدید بین‌الملل است. اگر سه عرصه دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌الملل را در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد که در شرایط فعلی با توجه به اتفاقات دیگری که در نظام بین‌الملل در جریان است مثل جنگ اوکراین و تحولات غرب آسیا، گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین از چه اهمیت بالایی برخوردار است. اما انتظاری که از این تفاهمات سطوح بالا می‌رود این است که با پیگیری نهادهای مربوطه در دو طرف، زمینه اجرایی شدن آن‌ها فراهم شود.

● در حوزه داخلی این سؤال مطرح می‌شود که این سفر دیپلماتیک با درجه اهمیتی که به آن اشاره کردید، در وضعیت اقتصادی و معیشتی کشورمان چه تأثیری می‌گذارد؟ با توجه به اینکه در این سفر ۲۰ سند همکاری در حوزه‌های مختلف بویژه اقتصادی امضا شد.

ارتباط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری خلق چین به سود ایران است. چون چین دومین قدرت اقتصادی جهان است که به آن «کارخانه جهان» اطلاق می‌شود. یعنی کشوری که همزمان بزرگترین تولیدکننده و مصرف‌کننده همه چیز در دنیا است. از این جهت این ارتباط به نفع ما است. به شرطی که سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط دو کشور رعایت شود. موضوعی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی و دولت‌های مختلف سعی کردند رعایت کنند آن باشند.

● در واقعیت شاهد این هستیم که دولت‌های مختلف برخورد‌های یکسانی در سیاست خارجی ندارند و برخی مانند دولت قبل از موضع تحقیر چین و تحقیر خود در قبال غرب، رفتار می‌کنند. تفاوت سیاست خارجی دولت‌های مختلف را چگونه تحلیل می‌کنید؟

این را محدود به یک دولت خاص نکنیم. هر جایی که در تاریخ ۴۰-۵۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، نتوانستیم تعادل و توازن را بین شرق و غرب برقرار کنیم و به یک سمت بیشتر متمایل شدیم، منافع ملی‌مان آسیب دیده است. امیدواریم در دولت سیزدهم چنین اتفاقی نیفتد. چون توجه به شرق و تحولات کلان آسیا مورد تأکید این دولت بوده است. اما در عین حال بارها تأکید شده نباید تمام تخم مرغ‌های خود را در سبد چین بگذاریم. همان گونه که سابق بر این گفته شد، نباید درباره غرب چنین اشتباهی کنیم. چین هم یکی از طرف‌های دیپلماسی ایران است. هر جا دو اصل توازن و تعادل را رعایت کنیم، منافع ملی کشور تأمین خواهد شد.

● رعایت توازن در سیاست خارجی دولت سیزدهم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
فعلاً برای قضاوت در این باره زود است. چون تازه یک سال و خرده‌ای از حضور دولت سیزدهم

**ارتباط ایران با چین به سود ایران است، چراکه چین دومین قدرت اقتصادی جهان است که به آن «کارخانه جهان» اطلاق می‌شود. یعنی کشوری که همزمان بزرگترین تولیدکننده و مصرف‌کننده همه چیز در دنیا است. این ارتباط به نفع ما است. به شرطی که سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» رعایت شود**



گذشته است. برای بررسی کارنامه دولت و عملکرد آن باید صبر کنیم. این زمان سپری شده در مسائل دیپلماسی و بین‌المللی خیلی کوتاه است. اما تلاشی که در طی یک سال و نیم اخیر برای تعمیق ارتباط با کشور چین و اجرایی کردن برنامه ۲۵ ساله انجام شده، قابل توجه است. هر چند من شخصاً انتظار بیشتری از دولت سیزدهم دارم. چراکه نگاه به شرق یکی از سیاست‌ها و شعارهای آن بود.

البته این سفر یک نکته مهم و قابل توجه نیز داشت و آن اینکه با دعوت طرف چینی انجام شده بود. غیر از این سفر بحث عضویت ایران در سازمان شانگهای و تلاش برای اجرایی کردن برنامه ۲۵ ساله در مجموع نشان می‌دهد دولت سیزدهم در تلاش برای ارتقای روابط خود با این کشور است تا اشکالات را اصلاح و ظرفیت‌ها را تقویت کند. اینکه چقدر در این کار موفق باشد را باید در ماه‌ها و سال‌های آینده ارزیابی کنیم.

● در ماه آذر شاهد سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان بودیم که درباره آن سفر در داخل کشورمان حواشی و اعتراض‌هایی به وجود آمد. تحلیل‌هایی با این مینا که چین با رفتن به عربستان، ایران را دور زده و مواضع متضادی دارد. نسبت سفر چینی‌ها به عربستان و میزبانی‌شان از ایران چیست؟

در سیاست خارجی چیزی به نام موضعگیری متضاد نداریم. سیاست خارجی بر اصل منافع ملی کشورها است و دولت‌ها بر اساس منافع ملی خود تصمیمات و تاکتیک‌هایی را اتخاذ می‌کنند. اگر ما تاریخ روابط خارجی چین را مرور کنیم، موارد این چنینی بسیار است. آنچه برای چینی‌ها اهمیت دارد در درجه اول توسعه، بعد منافع و سپس امنیت است. این سه مؤلفه، مثلی را تشکیل می‌دهد که اقدامات کشور چین در آن چهارچوب قابل تحلیل است. برای مثال چین در حال حاضر به طور همزمان با کره شمالی و کره جنوبی ارتباط بسیار صمیمانه و گسترده‌ای دارد. ارتباط او با کره شمالی به گونه‌ای است که اگر حمایت خود را بردارد، کره شمالی با مشکلات زیادی مواجه می‌شود. در عین حال اصلی‌ترین شریک اقتصادی کره جنوبی نیز چین است. این در حالی است که کره جنوبی و کره شمالی در حال آتش‌بس به سر می‌برند. یعنی در صلح نیستند و هر لحظه ممکن است بین این دو کشور جنگ رخ دهد. از سوی دیگر شاهدیم که چین همزمان با ایران و عربستان سعودی در ارتباط است. از همه این‌ها روشن‌تر روابط چین با آمریکا است. چینی‌ها با آمریکایی‌ها درگیر جنگ تجاری هستند و به هم یکدیگر ضربه می‌زنند و روابط‌شان در برخی حوزه‌ها وخیم است اما در عین حال روابط تجاری گسترده‌ای با هم دارند. این قطب‌های متضاد در سیاست خارجی چین یک امر مرسوم و شناخته شده است. جای تعجب ندارد اگر ببینیم چند روز دیگر یکی از مقامات رژیم صهیونیستی به چین سفر می‌کند. چین بارها اعلام کرده که در پی منافع خود است و روابط دوجانبه او متوجه طرف ثالثی نیست. اینها را باید از هم تفکیک کنیم.

● در این میان موضع سیاست خارجی ما چه باید باشد؟  
اصلی‌ترین کاری که کشور ما باید انجام دهد، این است که اقدام به برنامه‌ریزی بلندمدت با کشور چین کند. تا بتوانیم سرمایه‌های چینی‌ها را به داخل جذب کنیم. چین یک کیک بزرگ اقتصادی را تعریف کرده و به هر کشوری متناسب با جایگاهش قسمتی می‌سرد. در حال حاضر غرب آسیا و کشورهای همچون ایران، عربستان سعودی، صهیونیست‌ها، امارات، قطر و کشورهای دیگر هر یک جایگاه مشخصی در سیاست خارجی چین دارند و اینکه چه مقدار بتوانیم از کیک منافی که چین در حوزه‌های خارجی تعریف کرده بهره‌برداری کنیم، به چین ربطی ندارد. بلکه به ما و تعاملاتی که با نظام بین‌الملل برقرار می‌کنیم، مربوط است. اگر بتوانیم روابط درستی را تعریف کنیم حتماً می‌توانیم حداکثر منافع ملی را از این داستان برداشت کنیم.

اگر ما تاریخ روابط خارجی چین را مرور کنیم، موارد این چنینی بسیار است. آنچه برای چینی‌ها اهمیت دارد در درجه اول توسعه، بعد منافع و سپس امنیت است. این سه مؤلفه، مثلی را تشکیل می‌دهد که اقدامات کشور چین در آن چهارچوب قابل تحلیل است

